



The Legal Status of Jerusalem in the Light of the Advisory Opinion of the International Court of Justice on Israeli Policies and Practices in the Occupied Palestinian Territories

ARTICLE INFO

DOI: 10.48311/CLR.29.3.5

Article Type

Research Article

Authors:

¹ Abdollah Abedini 
ORCID: <https://0000000237714870>

² Soroush Seyedian Hashemi 
ORCID: <https://0009000058337413>

Affiliation:

¹ Assistant Professor in International Law, Institution for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran

² Ph. D Student in International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Correspondence:*

Email: a.abedini@samt.ac.ir

Article History:

Received: 15.12.2024

Accepted: 11.04.2025

Abstract

Jerusalem, as a city with a special religious and historical status, has been a controversial issue in international law since its occupation by Israel and continuous efforts to change its legal, demographic and geographical status. Using historical and legal documents, this article analyzes the legal status of Jerusalem in light of the advisory opinion of the International Court of Justice on 19 July 2024, based on the principles and rules of international law. In its advisory opinion, the Court, while focusing on East Jerusalem, emphasized the need to apply the principles and rules of international law to the entire city. In the advisory opinion, it only addressed the East Jerusalem section and recognized that Israel's actions there were contrary to the principles and rules of international law. However, it seems that the Court's findings regarding East Jerusalem can be generalized to West Jerusalem and are an important step towards achieving justice and clarifying the status of this city.

Keywords: East Jerusalem, West Jerusalem, Advisory Opinion of 14 July 2024, Resolution 181, Occupation





وضعیت حقوقی بیت‌المقدس در پرتو نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین

عبدالله عابدینی^{۱*}، سروش سیدیان هاشمی^۲

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵

چکیده

بیت‌المقدس، به عنوان شهری با جایگاه ویژه مذهبی و تاریخی، از زمان اشغال آن توسط اسرائیل و تلاش‌های مستمر برای تغییر وضعیت حقوقی، جمعیتی و جغرافیایی آن، موضوعی مناقشه برانگیز در حقوق بین‌الملل بوده است. مقاله حاضر با استفاده از اسناد تاریخی و حقوقی، بر اساس اصول و قواعد حقوق بین‌الملل به تحلیل وضعیت حقوقی بیت‌المقدس در پرتو نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ می‌پردازد. در نظر مشورتی اخیر، دیوان ضمن تمرکز بر بیت‌المقدس شرقی، بر لزوم اعمال اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بر کل شهر تأکید کرده است. در این نظر مشورتی فقط به بخش بیت‌المقدس شرقی پرداخته و اقدامات اسرائیل در آنجا مغایر اصول و قواعد حقوق بین‌الملل شناخته شده است. اما چنین به نظر می‌رسد که یافته‌های دیوان در خصوص بیت‌المقدس شرقی قابل تعمیم به بیت‌المقدس غربی است و گامی مهم برای تحقق عدالت و روشن شدن وضعیت این شهر است.

E-mail: a.abedini@samt.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:



کپی‌رایت © ۲۰۲۵، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (TMU Press). این مقاله به صورت دسترسی آزاد منتشر شده و تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 قرار دارد. بر اساس این مجوز، شما می‌توانید این مطلب را در هر قالب و رسانه‌ای کپی، بازنشر و بازآفرینی کنید و یا آن را ویرایش و بازسازی نمایید، به شرط آنکه نام نویسنده را ذکر کرده و از آن برای مقاصد غیرتجاری استفاده کنید.



واژگان کلیدی: بیت المقدس شرقی، بیت المقدس غربی، نظر مشورتی ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۴، قطعنامه ۱۸۱، اشغال.

۱. مقدمه

بیت المقدس، شهری با جایگاه بی‌همتا در تاریخ، فرهنگ و ادیان جهانی، همواره در کانون مناقشات سیاسی و حقوقی بین‌المللی قرار داشته است. این شهر که برای مسلمانان، مسیحیان و یهودیان از اهمیتی خاص برخوردار است، پس از تصویب قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی موسوم به قطعنامه تقسیم فلسطین در سال ۱۹۴۷ و اشغال بخش‌هایی از آن توسط اسرائیل در سال ۱۹۴۸، به یکی از پیچیده‌ترین مسائل حقوق بین‌الملل تبدیل شده است. تلاش‌های اسرائیل برای تغییر وضعیت حقوقی، جمعیتی و جغرافیایی این شهر، به‌ویژه پس از جنگ شش روزه در ۱۹۶۷ و اشغال بخش شرقی آن، نگرانی‌های گسترده‌ای را در میان جامعه بین‌المللی ایجاد کرده است.

تاکنون دو نظر مشورتی در خصوص فلسطین به‌وسیله دیوان بین‌المللی دادگستری (از این پس، دیوان) صادر شده است. اگرچه دیوان در نظر مشورتی ۲۰۰۴ که پیرامون ساخت دیوار در سرزمین‌های اشغالی فلسطین بود، بیت المقدس شرقی را جزئی از سرزمین‌های اشغالی دانست، اما به شکل تفصیلی به آن نپرداخت. اما نظر مشورتی ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴، نقطه عطفی در تبیین وضعیت حقوقی بیت المقدس محسوب می‌شود. این نظر مشورتی، با بررسی سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، بر غیرقانونی بودن اشغال بیت المقدس شرقی تأکید کرده و اقدامات اسرائیل در تغییر وضعیت این شهر را مغایر با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل دانسته است. در این نظر، علاوه بر برجسته‌سازی نقش حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین، بر تعهدات جامعه بین‌المللی نسبت به عدم شناسایی اقدامات اسرائیل و ضرورت پایان دادن به اشغال نیز تأکید شده است.^۱

۱ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: (ممتاز، علیزاده و زرنشان، ۱۳۹۷)



بر همین اساس، این مقاله، با بهره‌گیری از اسناد تاریخی و حقوقی بین‌المللی، در پنج بخش به تحلیل وضعیت حقوقی بیت‌المقدس در پرتو نظر مشورتی دیوان می‌پردازد: ۱. پیشینه تاریخی بیت‌المقدس: در این بخش، تاریخچه حاکمیت بر بیت‌المقدس از دوران عثمانی تا اشغال این شهر توسط اسرائیل بررسی می‌شود. همچنین، تأثیر قطعنامه‌های کلیدی سازمان ملل، مانند قطعنامه ۱۸۱، بر وضعیت این شهر مورد تحلیل قرار می‌گیرد. ۲. تحلیل حقوقی اشغال بیت‌المقدس: این بخش به بررسی ابعاد حقوقی اشغال بیت‌المقدس توسط اسرائیل می‌پردازد و اصول حقوق بین‌الملل، از جمله منع توسل به زور و عدم مشروعیت انضمام سرزمین با زور، مورد توجه قرار می‌گیرد. ۳. نقش حق تعیین سرنوشت در تعیین وضعیت بیت‌المقدس: با تأکید بر جایگاه مردم فلسطین به‌عنوان ساکنان اصلی حق حاکمیت، این بخش نشان می‌دهد که سیاست‌های اسرائیل چگونه ناقض این حق بنیادین است. ۴. بررسی نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۲۴: این بخش، تحلیل دقیق محتوای نظر مشورتی دیوان را ارائه می‌دهد، از جمله نحوه تفسیر دیوان از سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل و تأثیر این نظر بر جامعه بین‌المللی. ۵. پیامدهای حقوقی و بین‌المللی نظر مشورتی: در این بخش، پیامدهای نظر مشورتی برای اسرائیل، فلسطین و جامعه بین‌المللی بررسی می‌شود. همچنین، نقش قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل در تقویت حقوق فلسطینیان و محدودیت‌های دیوان در صدور نظر مشورتی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲. پیشینه

بیت‌المقدس شهر مقدس مسلمانان، مسیحیان و یهودیان است. یهودیان همواره به سمت این شهر ایستاده و عبادت می‌کنند و دیوار بُراق (که یهودیان آن را ندبه می‌نامند و از نظر یهودیان باقی‌مانده معبد سلیمان است) محل اصلی عبادت یهودیان در این شهر می‌باشد. «کلیسای مقبره مقدس»^۲ و «کلیسای الصعود»^۳ در این شهر قرار دارد و بیت‌لحم در مجاورت این شهر،

2. Holy Sepulchre



محل تولد حضرت عیسی مسیح است. مسجد الاقصی اولین قبله مسلمانان و مسجد «قبه- الصخره»^۳ نیز در این شهر قرار دارند.

در سال ۱۵۱۷، دولت عثمانی کنترل فلسطین را در دست می‌گیرد و تا پایان جنگ جهانی اول در حاکمیت خود نگه می‌دارد. بیت المقدس به عنوان مرکز سرزمین فلسطین تحت حاکمیت عثمانی، علی‌رغم داشتن ویژگی‌های خاص تاریخی و مذهبی، تا قبل از اعطای خودمختاری در سال ۱۸۸۷، دارای وضعیتی متفاوت با دیگر شهرها در فلسطین تا قرن نوزدهم نبوده است. این خودمختاری به این معنا بوده که فرماندار آن به دلیل نزدیکی به «استانبول»^۴ و شرایط خاص سیاسی و مذهبی که داشته می‌بایست (برخلاف فرمانداران مناطق که مستقیماً زیر نظر دولت بودند) زیرمجموعه فرماندار منطقه استانبول باشد. (Heidborn, 1908: 7)

با پایان جنگ جهانی اول و شکست امپراتوری عثمانی، یک حکم قیمومت به وسیله بریتانیا بر اساس بند ۴ ماده ۲۲ میثاق جامعه ملل^۵ پیشنهاد می‌شود؛ اما در آن صحبتی از بیت المقدس نشده و تنها به مکان‌های مقدس اشاره می‌کند. در ماده ۱۳ این حکم قیمومت حقوق موجود در این مکان‌ها حفظ و دسترسی آزاد، و عبادت مطابق الزامات نظم عمومی تضمین شده است. مطابق ماده ۱۴، کمیته ویژه‌ای می‌بایست به وسیله بریتانیا با تأیید شورای جامعه ملل تشکیل شود تا حقوق و ادعاهای مربوط به مکان‌های مقدس را مطالعه، بررسی و تعیین کند.^۶ این کمیته به دلیل عدم توافق میان کشورهای مختلف بر سر آیین و ترکیب آن هیچ‌گاه تشکیل نشد. بریتانیا در سال ۱۹۴۷ از مجمع عمومی درخواست کرد تا به مسئله فلسطین رسیدگی کند

3. Chapel of the Ascension

4. Dome of Rock

5. Constantinople

6. Certain communities formerly belonging to the Turkish Empire have reached a stage of development where their existence as independent nations can be provisionally recognized subject to the rendering of administrative advice and assistance by a Mandatory until such time as they are able to stand alone. The wishes of these communities must be a principal consideration in the selection of the Mandatory.

7. British Mandate For Palestine, Confirmed by Council of League of Nations, United Nations General Assembly, Question of Palestine, (Mandate of Palestine) A/292, 18th April 1947.



که این مجمع قطعنامه ۱۸۱ را به تصویب رساند که فصل اول از بخش سوم آن درباره بیت‌المقدس است. مجمع عمومی پیشنهاد کرد که بیت‌المقدس شهر با «وضعیت خاص»^۸ اعلام و رژیم بین‌المللی برای اداره آن ایجاد گردد.

این قطعنامه اساسنامه‌ای برای اداره شهر مقرر ساخت و پیش‌بینی نمود که یک فرماندار برای شهر از سوی شورای قیمومت و اداره امور خارجی منصوب گردد و واحدهای خودمختار محلی در محدوده شهر شامل شهرها، روستاها و مناطق شهری از قدرت‌های گسترده حکومت محلی برخوردار شوند، شهر غیرنظامی گردیده و بی‌طرف اعلام شود. شورای قانون‌گذاری به‌وسیله ساکنان شهر تعیین شده و قدرت وضع مالیات و قانون‌گذاری دارد. این مقررات می‌بایست طی پنج ماه در اساسنامه قید می‌شد. این اساسنامه تا قبل از ۱ اکتبر ۱۹۴۸ لازم‌الاجرا شده و تا قبل از ده سال اجرا شود مگر اینکه شورای قیمومت لازم بداند برخی مقررات آن در اولین تاریخ ممکن بازنگری شود. بعد از انقضای این مدت کل سازوکار می‌بایست مشمول بازنگری مجدد به‌وسیله شورای قیمومت در پرتو تجربیات کسب‌شده قبلی باشد. ساکنان شهر می‌بایست آزاد باشند تا برای تغییر رژیم حاکم بر شهر فراندوم انجام شود.^۹

با پایان حکم قیمومت بریتانیا بر فلسطین در تاریخ ۱۴ می ۱۹۴۸، نمایندگان جامعه یهودی اعلامیه تأسیس اسرائیل را در حالی به امضا رساندند که در آن هیچ اشاره‌ای به بیت‌المقدس نشده بود، اما بیان می‌داشت که این رژیم امنیت مکان‌های مقدس همه ادیان را تضمین خواهد کرد.^{۱۰} در پایان جنگ اول اعراب و اسرائیل، اردن بخش شرقی و اسرائیل بخش غربی را به تصرف خود درآوردند. با برقراری آتش‌بس، دو کشور در تاریخ ۳ آوریل ۱۹۴۹ قرارداد آتش‌بس منعقد کردند. (Lapidot and Hirsch, 1994: 33-42) وزیر دفاع اسرائیل در

8. Corpus Separatum

9. Plan of Partition with Economic Union- General Assembly resolution 181 (II) Future government of Palestine, UN Doc.A/RES/181(II)

10. Declaration of Israel's Independence, Issued at Tel Aviv on May 14, 1948, available at: https://avalon.law.yale.edu/20th_century/israel.asp



اعلامیه ۲ اوت ۱۹۴۸ اظهار داشت قوانین اسرائیل بر قسمت غربی شهر حاکم است. (Lapidot and Hirsch, 1994: 27) در پایان سال ۱۹۴۹، نخست وزیر وقت اسرائیل دیوید بن گوریون در کنسِت اعلام کرد که بیت المقدس بخش تفکیک‌ناپذیر رژیم صهیونیستی اسرائیل و پایتخت ابدی آن است. (Record of the Knesset Proceedings, 1949, 281–287) به دنبال آن در سال ۱۹۵۰ قانونی تصویب شد که بر اساس آن کلیه مؤسسات دولتی اسرائیل می‌بایست از تل‌آویو به بیت المقدس انتقال یابند.^{۱۱}

اردن به دنبال کنفرانس نمایندگان مناطق تصرف‌شده که در آن شرکت‌کنندگان بر الحاق به اردن تأکید داشتند، انضمام بخش شرقی شهر را به این کشور اعلام کرد، که غیر از بریتانیا و پاکستان این عمل توسط هیچ یک از دولت‌ها مورد شناسایی قرار نگرفت اسرائیل در جریان جنگ شش روزه، بخش شرقی شهر را به تصرف درآورد. به دنبال آن، کنسِت قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن دولت می‌تواند بر بخش شرقی نیز اعمال صلاحیت کند.^{۱۲}

شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۲۹۸ مصوب ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۱ به صراحت مقرر ساخت که اسرائیل نمی‌تواند هیچ اقدام اداری و تقنینی را برای تغییر وضعیت شهر بیت المقدس، شامل مصادره زمین‌ها و دارایی‌ها، انتقال جمعیت و قانون‌گذاری با هدف اداره بخش اشغالی انجام دهد. کلیه این اقدامات بی‌اعتبار است و نمی‌تواند وضعیت شهر را تغییر دهد.^{۱۳} در سال ۱۹۸۰، کنسِت قانون جدیدی درباره بیت المقدس تصویب کرد که به موجب ماده ۱ آن، بیت المقدس واحد و یکپارچه پایتخت اسرائیل است. (Passed by the Knesset, 1980:186) در نسخه ۲۰۱۸ قانون اساسی اسرائیل نیز بر این مسئله تأکید شده است.^{۱۴} شورای امنیت در قطعنامه ۴۷۸ مصوب ۲۰ آگوست ۱۹۸۰ این کار را مغایر با حقوق بین‌الملل دانسته و از کشورهای عضو خواست تا سفارت‌خانه‌های خود در رژیم صهیونیستی اسرائیل

11. Emergency Regulations (Land Requisition—Accommodation of State Institutions in Jerusalem) (Continuance in Force of Orders) Law, Laws of the State of Israel, 1950.

12. Municipalities Ordinance (Amendment No. 6) Law, Laws of the State of Israel, 1967.

13. United Nations Security Council Resolution, S/RES/298, 25th September 1971

14. Basic-Law: Israel—The Nation State of the Jewish People, 2018.



را به خارج از بیت المقدس انتقال دهند.^{۱۵} در موافقت‌نامه‌ای که میان ملک عبدالله دوم پادشاه اردن و محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان منعقدشده مقرر گردید که پادشاهی اردن متولی اماکن مقدس باشد، و حق تعیین سرنوشت فلسطینیان و حاکمیت آن‌ها بر اماکن مقدس و حق سایر پیروان مذاهب دیگر به رسمیت شناخته شده است.^{۱۶}

۳. قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و تأثیر آن بر وضعیت بیت المقدس

مجمع عمومی در قطعنامه‌های بعدی خود که تا امروز درباره بیت المقدس صادر کرده با اشاره به قطعنامه ۱۸۱ بر لزوم ایجاد یک رژیم دائم بین‌المللی در خصوص این شهر تأکید کرده و اعلام بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرئیل را رد کرده است.^{۱۷} شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز همواره اقدامات تقنینی و اجرایی اسرئیل را که موجب تغییر وضعیت آن می‌شود باطل و بی‌اثر دانسته است.^{۱۸} در تفسیر قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی و قطعنامه‌های متعاقب آن، می‌بایست به این مسئله توجه نمود که مطابق منشور ملل متحد، هیچ یک از تصمیم‌های این سازمان نباید مغایر با اصول منشور باشد. از جمله این اصول، اصل حاکمیت و حق تعیین سرنوشت هستند. مسئله حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها پیش از این به رسمیت شناخته شده

15. United Nations Security Council Resolution, S/RES/478, 20th August 1980

16. Agreement between His Majesty King Abdullah II Bin al-Hussein, the Custodian of the Holy Sites in Jerusalem, and His Excellency Dr. Mahmoud Abbas, Available at https://content.ecf.org.il/files/M00950_JordanPLOJerusalem2013English.pdf

17. United Nations General Assembly, UN Doc. A/RES/303(IV), 9th December 1949

United Nations General Assembly Resolution 2253, UN Doc. A/RES/2253 (ES-V), 4th July 1967, United Nations General Assembly Resolution 2254, UN Doc. A/RES/2254 (ES-V), 4th July 1967, United Nations General Assembly Resolution 35/169, UN Doc. A/RES/35/169, 15th December 1980 Statute for the City of Jerusalem Approved by the Trusteeship Council at its 81st Meeting, in Annex II, Question of an International Regime for the Jerusalem Area and the Protection of the Holy Places, Special Report of the Trusteeship Council, UN Doc. A/1286, 4th April 1950

18. United Nations Security Council Resolution 252, UN Doc. S/RES/252(1968), 21st May 1968, United Nations Security Council Resolution 267, UN Doc. S/RES/267(1969), 3rd July 1969, United Nations Security Council Resolution 271, UN Doc. S/RES/271(1969), 15th September 1969, United Nations Security Council Resolution 298, UN Doc. S/RES/298(1971), 25th September 1971, United Nations Security Council Resolution 478, UN Doc. S/RES/478(1980), 20th August 1980, United Nations Security Council Resolution 672, UN Doc. S/RES/672(1990), 12th October 1990



و این حق تعیین سرنوشت که حق بر تشکیل دولت است، (Crawford, 2006: 107) به این منظور است که آن‌ها در سرزمینی که زندگی می‌کنند بتوانند دولت تشکیل دهند. بدیهی است برای تشکیل دولت فلسطین بر اساس حق تعیین سرنوشت، همان سرزمین فلسطین با مرکزیت بیت المقدس است که می‌بایست دولت را تشکیل دهد و این مسئله نمی‌تواند تغییری در وضعیت سرزمین ایجاد کند. این حقیقت که قطعنامه ۱۸۱ در خصوص تقسیم فلسطین به تصویب رسیده به این معنا نیست که حاکمیت بر بیت المقدس نیز بر عهده شورای قیمومت یا سازمان ملل متحد باشد. قدرت اداره سرزمین و حق حاکمیت بر آن دو مسئله متفاوت است، همچنان که بریتانیا هیچ‌گاه در زمان قیمومت فلسطین ادعای حاکمیت بر فلسطین را نداشته و صرفاً قدرت کامل قانون‌گذاری و اجرایی را بر عهده‌دار بوده است. (UN Doc. A/292, 1947: Article 1) اما طی سال‌های ۱۹۲۲ تا ۱۹۴۷ و در نتیجه اقدامات بریتانیا که برخلاف حکم قیمومت جامعه ملل بوده است، تعداد زیادی از یهودیان به فلسطین مهاجرت و در این سرزمین از جمله بیت المقدس ساکن شدند و همین امر مستمسکی برای اسرائیل در خصوص حاکمیت بر این شهر است.

این مسئله پذیرفته شده است که حق تعیین سرنوشت مختص به مردم بومی ساکن سرزمین موردنظر یعنی کسانی است که رابطه تاریخی با جامعه پیش از اشغال یا استعمار یا قیمومت داشته و در آن سرزمین نقش‌آفرینی کرده‌اند، نه مردمانی است که از سرزمین‌های دیگر به آن مهاجرت کرده‌اند. در حقیقت، تسهیل در مهاجرت یهودیان از اروپا به فلسطین با هدف جایگزینی آن‌ها با مردم بومی فلسطین بوده است. (Zogby, 1992: 123) این مسئله به ویژه درباره شهر بیت المقدس که یهودیان با مساعدت بریتانیا در آنجا ساکن شدند صدق می‌کند. به این ترتیب، حق تعیین سرنوشت باعث می‌شود تا فلسطین به همان شکلی که تحت حاکمیت عثمانی بود تبدیل به یک دولت شود و این مسئله به معنای حاکمیت دولت بعدی بر همه شهرهای واقع در سرزمین فلسطین از جمله بیت المقدس است.



۴. نظر مشورتی ۱۹ جولای ۲۰۲۴ دیوان در خصوص نتایج حقوقی سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین از جمله بیت‌المقدس شرقی در پرسش مجمع عمومی سازمان ملل متحد از دیوان خواسته شده بود تا نتایج حقوقی ناشی از نقض مداوم حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین به وسیله اسرائیل در اثر اشغال طولانی-مدت، شهرک‌سازی و انضمام سرزمین فلسطین اشغالی از سال ۱۹۶۷ و اقداماتی که با هدف تغییر بافت جمعیتی، وضعیت شهر بیت‌المقدس صورت گرفته و نیز تصویب قوانین و اتخاذ اقدامات تبعیض‌آمیز را بیان کند. برخلاف نظر مشورتی ۲۰۰۴ در این نظر مشورتی دیوان گریزی از بررسی ویژه بیت‌المقدس نداشته است.

۱-۴. بیت‌المقدس در نظر مشورتی ۱۹ جولای ۲۰۲۴

مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه ۷۷/۲۴۷ را به تصویب رساند که در آن از دیوان خواسته شده بود تا درباره پرسش زیر نظر مشورتی صادر نماید:

الف. پیامدهای حقوقی ناشی از نقض مداوم حق تعیین سرنوشت فلسطینیان، اشغال طولانی‌مدت، شهرک‌سازی و انضمام سرزمین‌های اشغالی فلسطین از سال ۱۹۶۷، شامل اقداماتی که با هدف تغییر بافت جمعیتی، ویژگی و وضعیت شهر مقدس اورشلیم انجام شده و اتخاذ قوانین و اقدامات تبعیض‌آمیز چیست؟

ب. چگونه سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل که در بند الف به آن‌ها اشاره شده وضعیت حقوقی اشغال را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نتایج حقوقی این وضعیت برای کلیه دولت‌ها و سازمان ملل متحد چیست؟ (UN Doc. A/77/247 2023: 18)

دیوان در نظر مشورتی که در تاریخ ۲۹ تیرماه ۱۴۰۳ (برابر با ۱۹ جولای ۲۰۲۴) صادر نمود، به اتفاق آرا صلاحیت خود را بر اساس بند ۱ ماده ۶۵ اساسنامه جهت صدور نظر مشورتی احرارز نموده و حضور اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین (شامل کرانه باختری، بیت‌المقدس شرقی و نوار غزه) را غیرقانونی دانسته و اسرائیل را متعهد به پایان دادن فوری اشغال دانست. همچنین، از نظر دیوان، اسرائیل متعهد به پایان دادن به فعالیت‌های



مرتبط به شهرک‌سازی، تخلیه ساکنان آن و پرداخت غرامت به مردم فلسطین نمود. در نهایت، از نظر دیوان همه دولت‌ها موظف به عدم شناسایی وضعیت موجود بوده و متعهد به عدم کمک به حفظ حضور اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی هستند. (ICJ Advisory Opinion, 2024: 285)

دیوان برای تعیین قلمرو مفهومی پرسش مجمع عمومی در رابطه با شهر بیت المقدس در بند (الف) پرسش مجمع عمومی اظهار داشت که عبارت «شهر مقدس بیت المقدس» مبهم است و با توجه به زمینه پرسش این‌طور نظر داد که منظور از «شهر مقدس اورشلیم» محدود به اقدامات اتخاذی در بیت المقدس شرقی است. علاوه بر این، از نظر دیوان، تنها به اقداماتی که اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از سال ۱۹۶۷ اتخاذ کرده، پرداخته شده است. (ICJ Advisory Opinion, 2024: 79)

دیوان بارها اشاره کرده که اشغال طولانی مدت سرزمین‌های اشغالی فلسطین شامل کرانه باختری و بیت المقدس شرقی غیرقانونی است و به بحث بیت المقدس شرقی به شکلی خاص پرداخته است. دیوان پس از پرداختن به معنای واژه انضمام که عبارت است از تصاحب سرزمین اشغالی توسط قدرت اشغالگر یا به عبارتی ادغام آن در سرزمین قدرت اشغالگر، به بررسی سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در بیت المقدس شرقی می‌پردازد. به گفته دیوان، اسرائیل ممنوعیت توسل به زور در حقوق بین الملل، اصل عدم تصاحب سرزمین با زور و تعهدات حقوق بشری خود را مطابق با میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی را به شرح زیر نقض کرده است:

الف- با اعمال قوانین داخلی خود در بیت المقدس شرقی، این قسمت از شهر را بخشی از قلمرو و پایتخت دولت خود اعلام کرده است. (ICJ Advisory Opinion, 2024: 163)

ب- اقداماتی را برای ادغام زیرساخت‌های بیت المقدس شرقی با بیت المقدس غربی به ویژه با ایجاد شبکه حمل و نقل عمومی یکپارچه انجام داده است. (ICJ Advisory Opinion, 2024: 164)

پ- شهرک‌سازی در بیت المقدس شرقی با هدف اسکان اتباع دولت خود و تبدیل شهر به



محیطی غیرقابل سکونت برای جمعیت فلسطینی این شهر. (ICJ Advisory Opinion, 2024: 165)

ت- اقدامات تبعیض‌آمیز برای ممنوعیت یا محدود کردن دسترسی مردم فلسطین به اماکن مقدس شهر بیت‌المقدس. (ICJ Advisory Opinion, 2024: 203)

ث- اسرائیل حق تعیین سرنوشت فلسطینیان را در بیت‌المقدس شرقی (که جزء سرزمین‌های اشغالی است) نقض کرده است. (ICJ Advisory Opinion, 2024: 238-239, 241)

نظر مشورتی دیوان در خصوص فلسطین را می‌توان گام مهمی در روشن ساختن وضعیت اقدامات اسرائیل در بیت‌المقدس برشمرد که شامل غیرقانونی اعلام کردن اشغال بیت‌المقدس شرقی و انضمام آن است. اگرچه، در متن پرسش مجمع عمومی به واژه «شهر مقدس اورشلیم»^{۱۹} اشاره شده که از آن این‌طور برداشت می‌شود که منظور شهر بیت‌المقدس شامل بخش شرقی و غربی است، اما دیوان این عبارت را به بیت‌المقدس شرقی تعمیم داده است. دیوان در بند ۷۹ نظر مشورتی درباره قلمرو مفهومی اصطلاح «شهر مقدس اورشلیم [بیت‌المقدس]» چنین اظهار می‌دارد:

«دیوان در ادامه مشاهده می‌کند که پرسش [مجمع عمومی] به اقدامات مرتبط با «شهر مقدس اورشلیم» اشاره دارد. معنای عادی این اصطلاح مبهم است: این اصطلاح می‌تواند به تمام شهر اورشلیم با مرزهای مندرج در قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ اشاره داشته باشد؛ می‌تواند به دو بخش شهر هم متعاقب موافقت‌نامه آتش‌بس عمومی اردن و اسرائیل در ۱۹۴۹ اشاره داشته باشد؛ یا می‌تواند به منطقه جغرافیایی وسیع‌تری اشاره نماید. هرچند معنای عادی این اصطلاح ممکن است تابع تفاسیر متعددی قرار گیرد، بافتار^{۲۰} پرسش مجمع ایضاح مفیدی در پرونده حاضر خواهد بود. همان‌گونه که دیوان در بالا اظهار داشته، قلمرو پرسش پیش‌تر بر حسب ملاحظات جغرافیایی به سرزمین‌های اشغالی فلسطین محدود

19. Holy City of Jerusalem

20. Context



شده است. ضمن این که عنوان و متن قطعنامه [مجمع عمومی راجع به نظر مشورتی حاضر] به دفعات اشاره خاصی به اورشلیم شرقی داشته است. در پرتو این بافتار دیوان معتقد است پرسش مجمع عمومی در ارتباط با «شهر مقدس اورشلیم» محدود به اقداماتی است که توسط اسرائیل در اورشلیم شرقی اتخاذ شده است.» نکته جالب آن که برداشت دیوان در این نظر مشورتی مبنی بر توجه پرسش مجمع عمومی به بخش شرقی بیت المقدس که در بند ۷۹ نظر به آن تصریح شده، مخالفتی را در نظرات جداگانه قضات در بر نداشته است.

در مقام نقد این نوع برداشت دیوان که شهر بیت المقدس را به صورت یک کل، مدنظر قرار نداده است، می توان به این نکته اشاره داشت که اگر نقطه عزیمت دیدگاه غالب بین المللی میان کشورها و ملل متحد، قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی راجع به تقسیم فلسطین به دو دولت عرب و یهودی است که بارها توسط مجمع عمومی، شورای امنیت و بسیاری از دولت ها بر آن تأکید شده است، چرا باید موافقت نامه آتش بس عمومی اردن و اسرائیل در ۱۹۴۹ ملاک عمل دیوان در تقسیم شهر به دو قسمت غربی و شرقی قرار گیرد. همان گونه که در ابتدای مقاله حاضر گفته شد، قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی در سال ۱۹۴۷، رژیم ویژه ای را برای بیت المقدس در نظر گرفته است؛ بدون این که آن را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم نماید. از این جهت، به نظر می رسد محور تحلیل ها باید قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی، و نه موافقت نامه آتش بس عمومی میان اردن و اسرائیل باشد. محوری بودن جایگاه قطعنامه ۱۸۱ در نظر جداگانه قاضی سلام نیز منعکس شده است. وی معتقد است اسرائیل که از حقوق قطعنامه برای تشکیل دولت یهود بهره جسته، نمی تواند از تعهدات آن مبنی بر پذیرش دولت عرب سرباز زند. (Declaration of President Salam to the ICJ Advisory Opinion, 2024: 38, 41-42)

دو اصطلاح «ویژگی» و «جایگاه» شهر مقدس اورشلیم در پرسش مجمع عمومی نشان می دهد که کلیت شهر مدنظر بوده و نه وضعیت فعلی آن که به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شده است. ویژگی و جایگاه شهر مزبور در متن پرسش همان مفاهیم مندرج در قطعنامه ۱۸۱ مجمع را در مورد رژیم خاص تعبیه شده برای این شهر به ذهن متبادر می نماید. به ویژه اینکه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در پرسش سال ۲۰۰۳ خود از دیوان برای صدور نظر مشورتی در



خصوص دیوار حائل، به بیت‌المقدس شرقی اشاره کرده است و این که در متن پرسش سال ۲۰۰۳ خود به شهر بیت‌المقدس به تنهایی اشاره کرده است و از این رو، می‌بایست در نظر مشورتی ۲۰۲۴، مراد از وضعیت بیت‌المقدس را وضعیت کل شهر در معنای اعم آن در نظر - گرفت.

از طرفی، برخی مفاد قطعنامه پرسش عمومی از دیوان نشان می‌دهد که نظر مجمع نه تنها بر پرسش از پیامدهای حقوقی سیاست‌ها و عملکرد اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی بوده، بلکه به طور خاص به وضعیت شهر بیت‌المقدس به طور کلی نیز نظر داشته است. دلیل این امر نیز در برخی بندهای مقدماتی قطعنامه مجمع مشهود است. از نظر مجمع بیت‌المقدس دارای ارزش مذهبی برای سه دین ابراهیمی است و از این منظر، اماکن تاریخی و مذهبی نه تنها برای پیروان این مذاهب که قطعنامه‌های ملل متحد نیز نوعی منفعت مشروع برای جامعه بین‌المللی از طریق سازمان ملل متحد در مسئله بیت‌المقدس در نظر گرفته است.^{۲۱} بر همین اساس، اگر بپذیریم مقدمه قطعنامه نیز همچون مقدمه معاهدات دارای ارزش تفسیری هستند و این که بسیاری از بندهای مقدماتی انعکاسی در بند اجرایی شماره ۱۸ در مورد پرسش از دیوان برای ارائه نظر مشورتی دارند، تصریح به شهر مقدس اورشلیم یا بیت‌المقدس در قسمت اول از بند ۱۸ قطعنامه نشان می‌دهد مجمع عمومی به کلیت وضعیت و جایگاه شهر نظر داشته است و نه بخش شرقی بیت‌المقدس. دلیل این امر نیز منفعت جامعه بین‌المللی و پیروان مذاهب ذی‌ربط در اماکن مقدس مرتبط می‌باشد و لزوماً ارتباطی به وضعیت فلسطین اشغالی پیدا نمی‌کند؛ چرا که چنین به نظر می‌رسد نظر نویسندگان پیش‌نویس قطعنامه علاوه بر وضعیت فلسطین اشغالی بر کلیت اقدامات اسرائیل در فلسطین می‌باشد که این موضوع شامل بیت‌المقدس غربی نیز می‌گردد.^{۲۲} حتی دولت بریتانیا در زمان رأی‌گیری نسبت به پیش‌نویس

۲۱. برای مطالعه بیشتر، رک: (سودمندی و شریفی، ۱۳۹۱: ۸۳-۷۹)

۲۲. به عنوان نمونه، مفاد بندهای مقدماتی زیر از قطعنامه مجمع به شهر بیت‌المقدس تصریح نموده است:



قطعه‌نامه مجمع چنین اظهار داشت که نباید از عبارت قبه الصخره در بیت المقدس استفاده شود زیرا این دولت معتقد است که بیت المقدس شهری برای سه دین ابراهیمی است و نباید به نحوی بدان اشاره شود که تنها اشاره به اسلام داشته باشد. (A/77/PV.56, 2022: 3-4) چنین نگاهی از سوی نماینده دولت بلژیک نیز بیان گردیده است. (A/77/PV.56, 2022: 5)

از طرف دیگر، دیوان در نظر مشورتی ۲۰۰۴ دیوار حائل یکی از تعهدات معتبر اسرائیل را تضمین دسترسی آزاد به اماکن مقدس در بیت المقدس دانسته است که میان اردن و اسرائیل طبق موافقت‌نامه آتش‌بس ۱۹۴۹ و موافقت‌نامه ۱۹۹۴ میان دو طرف توافق شده است. (ICJ Advisory Opinion, 2004: 129, 149) بنابراین، از آنجایی که دیوان در نظر مشورتی ۲۰۰۴ به این موضوع پرداخته لازم بود این نگاه در نظر مشورتی ۲۰۲۴ نیز مدنظر قرار گیرد؛ چه این که دایره موضوعی پرسش‌های مطرح‌شده در نظر مشورتی ۲۰۲۴ تقریباً تمامی ابعاد اقدامات و عملکردهای اسرائیل را در برمی‌گیرد. بنابراین، اگر موضوع تعهد اسرائیل به دسترسی آزاد به اماکن مقدس در نظر مشورتی ۲۰۰۴ مورد توجه دیوان بوده، به طریق اولی، با توجه به موسع بودن پرسش مجمع از دیوان، چنین رویکردی نیز در نظر مشورتی ۲۰۲۴ باید مطمح نظر قرار می‌گرفت.

در مجموع، به نظر می‌رسد دلیل محدود شدن برداشت دیوان به بیت المقدس شرقی را می‌

Gravely concerned by the tensions and violence in the recent period throughout the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem and including with regard to the **holy places of Jerusalem**, including the Haram al-Sharif, and deploring the loss of innocent civilian life, Reaffirming that the international community, through the United Nations, has a legitimate interest in **the question of the City of Jerusalem** and in the protection of the unique spiritual, religious and cultural dimensions of the city, as foreseen in relevant United Nations resolutions on this matter, Reaffirming also the obligation to respect the historic status quo, the special significance of the holy sites, and the importance of the **City of Jerusalem** for the three monotheistic religions, Gravely concerned by the ongoing demolition by Israel, the occupying Power, of Palestinian homes, as well as of structures, including schools, provided as international humanitarian aid, in particular in and around Occupied East Jerusalem, including if carried out as an act of collective punishment in violation of international humanitarian law, which has escalated at unprecedented rates, and by the revocation of residence permits and eviction of Palestinian residents of the **City of Jerusalem**,



توان در توجیهات احتمالی زیر برشمرد:

۱- در قطعنامه‌های شورای امنیت مانند قطعنامه ۴۷۸، وقتی صحبت از بیت‌المقدس شرقی می‌شود، به دلیل وجود بخش تاریخی آن در قسمت شرقی است که به آن «شهر مقدس» گفته می‌شود. (S/RES/478, 1980: 3)

۲- مرور نظرات دولت‌ها در زمان رأی‌گیری در خصوص این قطعنامه نشان می‌دهد که دولت‌ها فقط نسبت به بیت‌المقدس شرقی و نه کل شهر نظر داشته‌اند. (A/77/P.V56, 2022: 3)

۳- علاوه بر این، بررسی نظرات کتبی دولت‌های شرکت‌کننده در فرایند نظر مشورتی و نظرات آن‌ها در جلسات شفاهی، نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق، فقط به بخش شرقی بیت‌المقدس اشاره کرده و درباره بخش غربی این شهر سخنی به میان نیاورده‌اند. فقط این دولت فلسطین است که لایحه کتبی خود به طور مفصل به وضعیت بیت‌المقدس پرداخته و هر دو بخش شرقی و غربی را اشغالی تلقی کرده و به انضمام آن‌ها که حاصل اشغال است اشاره کرده است. دولت فلسطین در ابتدا اشاره می‌کند که اسرائیل بیت‌المقدس غربی را در فاصله سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۹، و سپس بیت‌المقدس شرقی را در سال ۱۹۶۷ اشغال نموده، و سپس آن را ضمیمه سرزمین خود نموده است، (Written Statement of the State of Palestine, 2023: 58-61) که این کار ناقض قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل دائر بر کسب سرزمین با توسل به زور است (Written Statement of the State of Palestine, 2023: 77) و بر غیرقانونی بودن اشغال بیت‌المقدس شرقی و غربی تأکید می‌کند. (Written Statement of the State of Palestine, 2023: 110) همچنین این مسئله را باید در چهارچوب هدف گسترده‌تر نظر مشورتی دید. (Crawford et la, 2023: 30) این هدف همانا همکاری با دیگر نهادهای سازمان ملل متحد در اجرای کارکردهای آن‌ها با رویکردی واحد است. (Lang, 2013: 791) به این ترتیب، نمی‌توان توقع داشت وقتی مجمع عمومی و شورای امنیت طی سال‌های اخیر همواره به بیت‌المقدس شرقی پرداخته‌اند، دیوان از این رویه آن‌ها تخطی کند. با توجه به اینکه آنچه دیوان در این نظر مشورتی گفته است صرفاً شامل بیت‌المقدس شرقی می‌شود، این پرسش مطرح می‌شود که آیا این یافته‌های دیوان شامل بیت‌المقدس غربی



نیز می‌شود؟

۲-۴. تعمیم یافته‌های دیوان در نظر مشورتی ۲۰۲۴ در خصوص بیت المقدس شرقی به

بیت المقدس غربی

بدیهی است با توجه به اینکه در قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی در سال ۱۹۴۷ که در آن بیت المقدس و قطعنامه‌های شورای امنیت از سال ۱۹۶۸ تاکنون به اشغالی بودن شرق بیت المقدس پرداخته شده است، اما این را نمی‌توان در حقوق بین‌الملل به این معنی دانست که بخش غربی بیت المقدس اشغالی نیست. در حقیقت، نه فقط بخش شرقی که با توجه به آنچه ذکر خواهد شد، تمام شهر بیت المقدس اشغالی است.

۱-۲-۴. بیت المقدس به عنوان پایتخت سرزمین فلسطین؛ نتیجه اعمال حق تعیین سرنوشت

مردم فلسطین

همان‌طور که پیش از این گفته شد، بیت المقدس به عنوان مرکز سرزمین فلسطین تحت حاکمیت عثمانی، به رغم داشتن ویژگی‌های خاص تاریخی مذهبی، هیچ‌گاه دارای وضعیتی متفاوت با دیگر شهرها در فلسطین تا قرن نوزدهم نبوده است، تا اینکه در سال‌های ۱۸۸۷ به آن خودمختاری اعطا می‌گردد. این خودمختاری به این معنا بوده که فرماندار آن به دلیل نزدیکی به استانبول^{۲۳} و شرایط خاص سیاسی و مذهبی که داشته (برخلاف فرمانداران مناطق که مستقیماً زیر نظر دولت بودند) زیرمجموعه فرماندار منطقه استانبول باشد. (Heidborn, 1908: 1:7)

مطابق ماده ۲۲ میثاق جامعه ملل، برخی جوامع که پیش از این بخشی از ترکیه بوده‌اند بر اساس نظام قیمومت استقلال آن‌ها به رسمیت شناخته می‌شود تا بعدها بتوانند استقلال کامل خود را بازیابند. تأثیری که این ماده از میثاق بر مردم فلسطین می‌گذارد این است که این سرزمین هم مطابق معاهده لوزان ۱۹۲۳ از عثمانی جدا شده و به عنوان یک موجودیت

23. Constantinople



بین‌المللی مستقل تبدیل شده و به عبارت دیگر تبدیل به یک دولت در حقوق بین‌الملل می‌شود. مطابق قیومتی که از طرف جامعه ملل به بریتانیا داده شده، بریتانیا قدرت اجرایی و قانون‌گذاری را اعمال کرده و حتی روابط خارجی فلسطین را نظم می‌داده است، اما این به معنای تغییر در وضعیت سیاسی و جغرافیایی آن به نفع خود یا دیگر موجودیت‌ها نیست. دیوان در نظر مشورتی خود پیرامون وضعیت آفریقای جنوب غربی اشاره می‌کند که در نظام قیومت دو اصل عدم انضمام و اصل رفاه و توسعه مردمان آن سرزمین می‌بایست رعایت گردد. (ICJ Advisory Opinion, 1950: 131) در این حکم قیومت صحبتی از تغییر وضعیت بیت‌المقدس به میان نیامده و صرفاً مطابق ماده ۱۴ حکم قیومت، فقط می‌بایست حقوق جاری مربوط به اماکن مقدس حفظ و آزادی دسترسی به آن‌ها برای کلیه مذاهب تضمین گردد. به این ترتیب، حق حاکمیت فلسطین متعلق ساکنان آن بود که پیش از این، ملت بودن آن‌ها توسط ماده ۲۲ میثاق به رسمیت شناخته شده بود. به این ترتیب، حکم قیومت اعطاشده به بریتانیا برای اداره فلسطین نمی‌تواند و نباید فلسطینی‌ها را از حق حاکمیت محروم کند و هدف آن اداره این سرزمین تا زمانی بوده که فلسطینی‌ها بتوانند روی پای خود بایستند. دیوان در نظر مشورتی سال ۲۰۰۴ خود پیرامون آثار ساخت دیوار در سرزمین‌های اشغالی فلسطین که بیت‌المقدس شرقی و اطراف آن را شامل می‌شود (ICJ Advisory Opinion, 2004: 78) با اشاره به اصل حق تعیین سرنوشت در حقوق بین‌الملل اشاره اظهار داشته دیوار حائل مانع اعمال حق تعیین سرنوشت از سوی فلسطینیان شده است. (ICJ Advisory Opinion, 2004: 118-122) با توجه به اینکه نظر مشورتی در خصوص نتایج حقوقی ساخت دیوار در سرزمین‌های اشغالی بوده و عدم اعمال حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین از جمله این نتایج بوده است، می‌توان گفت که فلسطینیان این حق تعیین سرنوشت خود را در بیت‌المقدس شرقی نیز اعمال می‌کنند.

۲-۲-۴. قابلیت تعمیم آورده‌های دیوان در نظر مشورتی ۲۰۲۴ به بیت‌المقدس غربی
ممکن است گفته شود یافته‌های دیوان در خصوص بیت‌المقدس شرقی نمی‌تواند قابل تعمیم به



بیت المقدس غربی یا کل شهر بیت المقدس باشد. دیوان پیش از این، تأیید کرده است که با ارائه نظر مشورتی کارکرد قضایی خود را با تعیین وجود یا عدم وجود قواعد و اصول حقوقی انجام می‌دهد. (D'Argent, 2019: 23) منظور از اصول و قواعد حقوقی، اصول و قواعد حقوق بین الملل است و دیوان می‌بایست حقوق بین الملل را اعمال کند. (Müller and Pellet, 2019: 60; Chesterman and Oellers-Frahm, 2019: 3)

۳-۲-۴. انضمام در حقوق بین الملل و نظر مشورتی ۲۰۲۴

انضمام به معنای کسب سرزمین به وسیله زور به وسیله یک دولت با هزینه دولت دیگر است. این یکی از اشکال اصلی کسب سرزمین است. انضمام مستلزم اشغال مؤثر سرزمین مورد نظر و نیت صریح برای موجه کردن آن است. (Hofmann, 2020: 1) غیرقانونی بودن انضمام در رویه دولت‌ها مورد توجه قرار گرفته و رویکرد عمومی دولت‌ها مؤید آن می‌باشد. از آنجایی که حقوق بین الملل فقط توسل به زور مجاز را می‌پذیرد، این گونه استدلال شده است که چنین توسل به زوری می‌تواند مالکیت حقوقی به دنبال داشته باشد. به این ترتیب، حق بر انضمام ممکن است در شرایطی که دفاع مشروع بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد وجود داشته باشد، امکان‌پذیر باشد. البته باید توجه داشته باشیم که چنین حقی باید در حقوق بین الملل عرفی یعنی دفاع مشروع وجود داشته باشد یا توسل به زور بر اساس تصمیم شورای امنیت بر اساس فصل هفتم و سرزمین به دولت متجاوز تعلق داشته باشد. در حقوق بین الملل کلاسیک، اگر فرایند توسل به زور روی دهد، دولت پیروز به شکل یکجانبه‌ای سرزمین اشغالی دشمن را منضم نماید. در عین حال، موضع حقوقی می‌تواند تحت تأثیر دفاع مشروع یا دیگر ملاحظات دیگر قرار گیرد. (Dinstein, 2017: 191) انضمام نتیجه استفاده ممنوع شده توسل به زور، یا به عبارت دیگر، خود توسل به زور است. (Kolb, 2022: 143) به این ترتیب، انضمام به معنای کسب سرزمین با توسل به زور به وسیله یک دولت است. اگرچه، تا قبل از تصویب منشور ملل متحد این کار غیرقانونی نبوده، اما با تصویب این منشور و وضع قاعده منع توسل به زور، این کار غیرقانونی است.



بعد از آتش‌بس جنگ ۱۹۴۹، قلمرو اسرائیل فراتر از آنچه که در قطعنامه تقسیم مقرر شده بود گسترش یافت. ممکن است گفته شود با خروج بریتانیا از فلسطین و عدم تشکیل دولت عربی در سرزمین مورد نظر وضعیت «سرزمین بدون مالک»^{۲۴} از جمله بیت‌المقدس محقق شده باشد، اما دیوان در نظر مشورتی خود پیرامون صحرای غربی اظهار می‌دارد سرزمینی که ساکنان آن مردمان دارای سازمان‌دهی سیاسی و اجتماعی هستند مشمول عنوان سرزمین بلاصاحب نیست. (ICJ Advisory Opinion, 1975: 80) این مسئله دقیقاً در مورد بیت‌المقدس صادق است و نمی‌توان با توجه به آنچه پیش‌تر گفته شد آن را مشمول سرزمین بلاصاحب دانست.

علاوه براین، ممنوعیت توسل به زور مطابق بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد را می‌توان به ممنوعیت انضمام سرزمین با توسل به زور تفسیر کرد، خواه این توسل یا تهدید به زور قانونی باشد، خواه نباشد. (Brunk and Hakimi, 2024: 444) انضمام یک سرزمین به استناد دفاع مشروع با شروط ضرورت و تناسب در تضاد است؛ چرا که دفاع مشروع ذاتی مطابق منشور ملل متحد و قواعد حقوق بین‌الملل عرفی مربوط به آن، نه یک قاعده بلکه استثناء بر قاعده منع توسل به زور است، و عنوان حق یک دولت برای مقابله با حمله مسلحانه صورت گرفته بر ضد آن دولت است تا وضعیت را به زمان قبل از حمله برگرداند. در مثال اشغال که مطابق قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی پیرامون تعریف تجاوز به‌عنوان یکی از مصادیق تجاوز نام برده می‌شود، (A/RES/3314, 1974: Article 3(a) دفاع مشروع با هدف پایان اشغال سرزمین آن دولت صورت می‌گیرد و نمی‌تواند مجوزی برای ورود به سرزمین دولت اشغال‌کننده یا دیگر دولت‌ها باشد. به این ترتیب، اقدام اسرائیل در اشغال بیت‌المقدس غربی و ضمیمه کردن آن به خاک این کشور مطابق حقوق بین‌الملل غیرقانونی و نامشروع است.

دیوان در نظر مشورتی خود پیرامون سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین بر موارد فوق صحه گذاشته و اظهار می‌دارد: فهم دیوان از واژه انضمام

24. Terra Nullius



اكتساب به زور سرزمین به وسیله قدرت اشغالگر که آن را اشغال نموده، یعنی ادغام آن با سرزمین دولت اشغالگر است. به این ترتیب، ضمیمه سازی مستلزم قصد دولت اشغالگر برای اعمال کنترل دائم بر سرزمین اشغالی است» (ICJ Advisory Opinion, 2024: 158) این کار بر اساس منشور ملل متحد و قطعنامه های متعدد مجمع عمومی سازمان ملل متحد عملی غیرقانونی است. (ICJ Advisory Opinion, 2024: 175-176)

شکی نیست که بیت المقدس غربی هیچگاه به اسرائیل تعلق نداشته و بعداً به آن منضم شده است.^{۲۵} بن گوریون اعلام کرده بود بیت المقدس جزئی از اسرائیل نیست و صرفاً این شهر اشغالی است که این موضع مورد تأیید روزن وزیر دادگستری و وزیر خارجه نیز بوده است. (Ronen, 2022: 127) کابینه اسرائیل همچنین بر این نظر بود که بیت المقدس اگرچه در کنترل اسرائیل است، اما خارج از طرح تقسیم و جزئی از دولت یهود نیست. به این ترتیب، مقامات اسرائیل به اینکه بیت المقدس غربی هیچگاه جزئی از سرزمین آنها نبوده و بعداً با اشغال نظامی به آن منضم شده، اذعان داشتند.

در آن زمان، بسیاری از دولت های خارجی کنترل اردن یا اسرائیل را بر بیت المقدس به رسمیت نشناختند. یکی از دلایل این رفتار آنها این است که کنسول های خارجی اجازه فعالیت در بیت المقدس را نداشتند. امتناع از حاکمیت اسرائیل بر بیت المقدس غربی را می توان حتی در رویه قضایی داخلی اسرائیل هم دید. در این پرونده، راننده کنسولگری بلژیک در بیت المقدس که با تصادف با فردی باعث مرگ وی شده بود. خانواده فرد متوفی راننده، کنسول و کنسول عام را تحت تعقیب قضایی قرار می دهند. خواندگان دعوا در آن زمان به صلاحیت دادگاه ایراد وارد کرده و معتقد بودند که بیت المقدس جزء حوزه صلاحیتی دادگاه های داخلی اسرائیل نیست و دادگاه آن زمان این استدلال را رد کرد. (Heirs of Shababo v. (1) Heilen, (2) The Consulate-General of Belgium in Jerusalem and (3) The Consul-General of Belgium in Jerusalem, 1957: 391)

25. "Jerusalem Declared Israel-Occupied City – Government Proclamation", Israeli Ministry of Foreign Affairs (12 August 1948), available at: [Jerusalem Declared Israel-Occupied City, Government Proclamation \(jewishvirtuallibrary.org\)](http://www.jewishvirtuallibrary.org/Jerusalem_Declared_Israel-Occupied_City_Government_Proclamation)



با توجه به آنچه گفته شد این پرسش مطرح می‌شود که آیا با توجه به اینکه قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد که می‌توان آن‌ها را رویه دولت‌های عضو سازمان ملل متحد نیز دانست (ILC Draft conclusions, 2018: Conclusion 12) و حتی نظر مشورتی سال ۲۰۲۴ دیوان بین‌المللی دادگستری فقط به اشغالی بودن بیت‌المقدس شرقی اشاره می‌کنند، این مسئله به معنای پذیرش قانونی بودن انضمام بیت‌المقدس غربی به سرزمین‌های تحت حاکمیت اسرائیل است یا نه؟

با توجه به اینکه منع تجاوز قاعده آمره است، (ILC Report, 2001: pp. 283-284) دولت‌ها نباید انضمام بیت‌المقدس غربی به اسرائیل که نتیجه آن است را قانوناً به رسمیت بشناسند. (ILC ARISWA, 2001: Article 41(2)) این ممنوعیت شامل سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد نیز می‌شود. (ILC DARIO, 2011: Article 26). اگرچه در سال ۱۹۴۸ منع تجاوز قاعده آمره نبوده، اما این آمره شدن نسبت به کلیه مصادیق آن از زمان شکل‌گیری قاعده عرفی یا تصویب معاهده مورد نظر (که در اینجا منشور ملل متحد و بند ۴ ماده ۲ آن مدنظر است)، جاری است. (See Schwelb, 1967: 968-972) حتی نمی‌توان ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد را نیز قابل اعمال دانست؛ چرا که این ماده در خصوص تعارض میان تصمیمات سازمان ملل متحد و توافقات میان دولت‌ها است و در خصوص تعارض این تصمیم‌ها با قواعد آمره قابل اعمال نیست. (2754 Leiss & Paulus, 2024) علاوه بر این، از نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل این تصمیمات مغایر با قواعد آمره، هیچ تعهدی مطابق حقوق بین‌الملل ایجاد نمی‌کند. (ILC Draft Article on Jus Cogens, 2022: Conclusion 16) علاوه بر این، نباید فراموش کرد که تشکیلات خودگردان به‌عنوان دولت قانونی حاکم بر فلسطین که عضو ناظر سازمان ملل متحد نیز هست، الحاق بیت‌المقدس غربی به اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد، و اظهارات این دولت در دادخواست پرونده استقرار مجدد سفارت آمریکا در بیت‌المقدس و لایحه کتبی این دولت به دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی ۲۰۲۴ گواه این مطلب است. (See Written Statement of the State of Palestine, 2023: 58-61,77)



بنابراین، آنچه که دیوان در نظر مشورتی اخیر در خصوص بیت المقدس شرقی بیان کرده، درباره بیت المقدس غربی نیز قابل اعمال است؛ چرا که اسرائیل بعد از اشغال بیت المقدس غربی همان سیاست‌ها را اعمال کرده است؛ کل شهر را پایتخت اعلام نموده، ساخت‌وسازهای متعددی را انجام داده و بافت جمعیتی آن را تغییر داده است.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به تحلیل ارائه‌شده در این مقاله، وضعیت حقوقی بیت المقدس در پرتو نظر مشورتی دیوان در سال ۲۰۲۴ و اسناد تاریخی و حقوقی بین‌المللی، تأکید بر اصول کلیدی حقوق بین‌الملل از جمله منع توسل به زور و حق تعیین سرنوشت به‌وضوح حاکی از عدم مشروعیت اقدامات اسرائیل از سال ۱۹۴۸ تا امروز در تغییر وضعیت بیت المقدس، به ویژه انضمام آن است.

قطعه‌نامه‌های متعدد شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، همراه با استدلال‌های حقوقی دیوان، اشغال و انضمام بیت المقدس شرقی و سیاست‌های تبعیض‌آمیز اسرائیل را مغایر با حقوق بین‌الملل می‌دانند. دیوان تأکید می‌کند که این اقدامات نه تنها ناقض ممنوعیت انضمام سرزمین به‌وسیله زور، بلکه خلاف تعهدات اسرائیل در حوزه حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. این نظر مشورتی با آنچه که در خصوص غیرقانونی بودن انضمام سرزمین‌های اشغالی فلسطین که شامل بیت المقدس شرقی است، تکالیف اسرائیل و نیز تکالیف سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بیان داشت، گام مهمی در جهت مشخص شدن هرچه بیشتر وضعیت حقوقی اشغال برداشت.

هرچند پژوهش‌های مختلفی در خصوص وضعیت بیت المقدس به زبان‌های فارسی و انگلیسی وجود دارد، اما باید اشاره کرد آنچه در این پژوهش اهمیت دارد شفاف‌سازی وضعیت حقوقی بیت المقدس بعد از نظر مشورتی ۱۹ جولای است؛ چرا که ممکن است گفته شود با این نظر مشورتی و تصمیم‌های ارکان مختلف سازمان ملل متحد در خصوص بیت المقدس، به گونه‌ای است که در ظاهر بیت المقدس غربی جزئی از اسرائیل شناخته شده و



حاکمیت بر آن قانونی است، و نظر مشورتی دیوان به نوعی به این تصور رسمیت قانونی می-بخشد. اما باید توجه داشت که محدودیت‌های دیوان در صدور نظر مشورتی به ویژه اینکه باید در قلمرو پرسش طرح شده مبادرت به صدور نظر مشورتی نموده، سبب شده تا فقط بیت‌المقدس شرقی ملاک قرار گیرد. این در حالی است که اصول و قواعد حقوق بین‌الملل حاکم بر انضمام سرزمین که دایر بر غیرقانونی بودن آن می‌باشد، در خصوص بیت‌المقدس غربی نیز صادق است، و غیرقانونی بودن انضمام بیت‌المقدس غربی که در نتیجه نقض قاعده آمره ممنوعیت تجاوز به وجود آمده، با رویه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد قابل توجیه نیست.

۶. منابع

۱-۶. منابع فارسی

۱. سودمندی، عبدالمجید و حسین شریفی طرازکوهی (۱۳۹۱)، «گستره حق آزادی دین و عقیده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۶: ۱۰۳-۷۷.
۲. ممتاز، جمشید، مسعود علیزاده و شهرام زرنشان (۱۳۹۷)، «تعهد به عدم مساعدت به حفظ وضعیتی که در نتیجه نقض یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام ایجاد شده است»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۲: ۱۴۵-۱۳۵.

۲-۶. منابع انگلیسی

A) Book

3. Crawford, James. (2006), **The Creation of States in International Law**. Second Edition. Oxford: Clarendon Press.
4. Dinstein, Yoram (2017), **War, Aggression and Self-Defence**. 6th ed. Cambridge: Cambridge University Press.
5. Heidborn, A. (1908), **Manuel de droit public et administratif de l'Empire ottoman**. Vol. 1. 2 vols. Vienna-Leipzig: C.W. Stern.
6. Lapidot, Rut, and Moshe Hirsch, eds. (1994), **The Jerusalem Question and Its**



Resolution: Selected Documents. Boston: Martinus Nijhoff Publishers.

B) Chapter

7. Chesterman, Simon, and Karin Oellers- Frahm. (2019), "Article 92 of The UN Charter." In **The Statute of International Court of Justice, A Commentary**, edited by Christian J Tams and Andreas Zimmermann, 3rd Edition., 208-22. Oxford: Oxford University Press.
8. Crawford, James, Freya Baetens, and Rose Cameron. (2023), "Functions of the International Court of Justice." In **The Cambridge Companion to The International Court of Justice**, edited by Carlos Espósito and Kate Parlett, 13-45. Cambridge: Cambridge University Press.
9. Müller, Daniel, and Allain Pellet. (2019), "Article 38." In **The Statute of the International Court of Justice A Commentary**, edited by Andreas Zimmermann and Christian J. Tams, Third Edition., 819-962. Oxford: Oxford University Press, 2019.
10. Pierre D'Argent. (2019), "Article 65." In **The Statute of the International Court of Justice A Commentary**, edited by Andreas Zimmermann and Christian J Tams, Third., 1783-1811. Oxford: Oxford University Press.
11. Leiss, Johann Ruben; & Paulus, Andreas. (2024). Article 103. In B. Simma, D.-E. Khan, G. Nolte, & A. Paulus (Eds.), (B. Simma, D.-E. Khan, G. Nolte, & A. Paulus, Eds.), **Charter of the United Nations A Commentary** (Fourth Edition, pp. 2743-2782). Oxford: Oxford University Press.

C) Article

12. Brunk, Ingrid, and Monica Hakimi. (2024), "The Prohibition of Annexations and the Foundations of Modern International Law." *American Journal of International Law* 118, no. 3: 417-67. <https://doi.org/10.1017/ajil.2024.26>.
13. "Heirs of Shababo v. (1) Heilen, (2) The Consulate-General of Belgium in Jerusalem and (3) The Consul-General of Belgium in Jerusalem." *International Law Reports* 20 (1957): 391-400. <https://doi.org/10.1017/CBO9781316151471.150>.
14. Kolb, Robert. (2022), "Libre Propos sur L'utilisation de la Force par La Russie en Ukraine." *Annuaire Français du droit International* 68: 155-71.



15. Lang, Andrew. (2013), "The Role of International Court of Justice in a Context of Fragmentation." *International and Comparative Law Quarterly* 62, no. 4: 777-812. <https://doi.org/10.1017/S0020589313000286>.
16. Ronen, Yaël. (2024), "Schrodinger's Occupation: West Jerusalem 1948-1949." *Texas International Law Journal* 58, no. 3: 119-46.
17. Zogby, James. (1992), "Palestinian Human Rights in the Context of the Historical Development of the Zionist Movement." In *„ A Compilation of Papers Presented at the United Nations Seminars on the Question of Palestine in 1960–1986*. New York: United Nations.
18. Schwelb, Egon. (1967). Some Aspects of International *Jus Cogens* as Formulated by the International Law Commission. *American Journal of International Law*, 61(4), 946-975.

D) Cases

19. International status of South-West Africa, Advisory Opinion, ICJ Reports 1950.
20. Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, Including East Jerusalem, International Court of Justice Advisory Opinion 2024.
21. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, ICJ Reports 2004.
22. Western Sahara, Advisory Opinion, ICJ Reports 1975.

E) Documents

23. 56th Plenary Meeting, Pub. L. No. United Nations General Assembly 77th Session, UN Doc. A/77/P.V56 (2022).
24. British Mandate For Palestine, Confirmed by Council of League of Nations, United Nations General Assembly, Question of Palestine, (Mandate of Palestine) A/292, 18th April 1947
25. Israeli practices affecting the human rights of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, Pub. L. No. United Nations General Assembly, Resolution 77/247 UN Doc. A/77/247 (2023).
26. United Nations Security Council Resolution 478, UN Doc. S/RES/478 (1980).



27. Written Statement of the State of Palestine, Request for an Advisory Opinion by the United Nations General Assembly in Resolution 77/247 of 30 December 2022 pertaining to the Question of Palestine (2023).
28. United Nations General Assembly 303 (IV), UN Doc. A/RES/303(IV), 9th December 1949
29. United Nations General Assembly Resolution 2253, UN Doc. A/RES/2253 (ES-V), 4th July 1967
30. United Nations General Assembly Resolution 2254, UN Doc. A/RES/2254 (ES-V), 4th July 1967
31. United Nations General Assembly Resolution 35/169, UN Doc. A/RES/35/169, 15th December 1980
32. Statute for the City of Jerusalem Approved by the Trusteeship Council at its 81st Meeting, in Annex II, Question of an International Regime for the Jerusalem Area and the Protection of the Holy Places, Special Report of the Trusteeship Council, UN Doc. A/1286, 4th April 1950
33. United Nations Security Council Resolution 252, UN Doc. S/RES/252(1968), 21st May 1968
34. United Nations Security Council Resolution 267, UN Doc. S/RES/267(1969), 3rd July 1969,
35. United Nations Security Council Resolution 271, UN Doc. S/RES/271(1969), 15th September 1969,
36. United Nations Security Council Resolution 298, UN Doc. S/RES/298(1971), 25th September 1971,
37. United Nations Security Council Resolution 478, UN Doc. S/RES/478(1980), 20th August 1980,
38. United Nations Security Council Resolution 672, UN Doc. S/RES/672(1990), 12th October 1990
39. Agreement between His Majesty King Abdullah II Bin al-Hussein, the Custodian of the Holy Sites in Jerusalem, and His Excellency Dr. Mahmoud Abbas, Available at https://content.ecf.org.il/files/M00950_JordanPLOJerusalem2013English.pdf
40. Record of the Knesset Proceedings, December 1949
41. Emergency Regulations (Land Requisition—Accommodation of State Institutions



- in Jerusalem) (Continuance in Force of Orders) Law, 4 Laws of the State of Israel 106, 1950
42. Municipalities Ordinance (Amendment No. 6) Law, 21 Laws of the State of Israel 75, 1967. United Nations Security Council Resolution 298, S/RES/298, 25th September 1971
43. Passed by the Knesset on the 17th Av, 5740 (30th July, 1980) and published in Sefer Ha-Chukkim No. 980 of the 23rd Av, 5740, 5th August, 1980
44. Basic-Law: Israel—The Nation State of the Jewish People, 2018.
45. United Nations General Assembly, Question of Palestine, (Mandate of Palestine) A/292, 18th April 1947
46. United Nations General Assembly Resolution 3314 (XXIX), UN Doc.A/RES/3314(1974)
47. Jerusalem Declared Israel-Occupied City – Government Proclamation”, Israeli Ministry of Foreign Affairs (12 August 1948), available at: [Jerusalem Declared Israel-Occupied City, Government Proclamation \(jewishvirtuallibrary.org\)](http://www.jewishvirtuallibrary.org/Jerusalem-Declared-Israel-Occupied-City-Government-Proclamation)
48. Plan of Partition with Economic Union- General Assembly resolution 181 (II) Future government of Palestine, UN Doc.A/RES/181(II)
49. Declaration of Israel's Independence, Issued at Tel Aviv on May 14, 1948, available at: https://avalon.law.yale.edu/20th_century/israel.asp
50. Hashemite Jordan Kingdom-Israel: General Armistice Agreement, 3rd April 1949
51. Proclamation No.1 of the Israel Defense Forces in Jerusalem, 2nd August 1948
52. Declaration of President Salam to the Advisory Opinion of Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem
53. ILC Draft Article on Identification and Legal Consequences of Preemptory Norms of General International Law(Jus Cogens), with Commentaries (2022), UN Doc. A/77/10
54. ILC Draft articles on the responsibility of international organizations, with commentaries (2011), UN Doc. A/66/11
55. ILC Draft articles on the responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries (2001), UN Doc. A/56/49(Vol. I)/Corr.4
56. ILC Draft conclusions on subsequent agreements and subsequent practice in



relation to the interpretation of treaties, with commentaries (2018), UN Doc. A/73/10

57. Report of the International Law Commission (2001), 53rd Session, GAOR, 56th Session, Supplement No. 10, UN Doc. A/56/10

F) Encyclopedia

58. Hofmann, Rainer. (2020), "Annexation." Edited by Rüdiger Wolfrum. *Max Planck Encyclopedia of Public International Law [MPEIL]* (Online Edition). Oxford: Oxford University Press.

[In Persian]

1. Soudmandi A, Sharifi Trazkouhi H. (2012). "Scope of the Right to Freedom of Religion and Belief in International Human Rights Documents", *Comparative Law Research Quarterly*, 16 (4), pp. 77-103. <http://clr.modares.ac.ir/article-20-10029-fa.html>
2. Momtaz D, Alizadeh M, Zarneshan S. (2018), "The Obligation to not Render Aid or Assistance so as to Maintain a Situation Created by the Breach of a Peremptory Norm of General International Law", *Comparative Law Research Quarterly*, 22 (1) :135-154. <http://clr.modares.ac.ir/article-20-16173-fa.html>